

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۸ مهر ۱۳۹۹

موضوع کلی: سوره بقره

مصادف با: ۱۱ صفر ۱۴۴۲

موضوع جزئی: آیه ۳۴ - بخش دوم - ماهیت ابلیس:

جلسه: ۴

ادله قول دوم (فرشته نبودن ابلیس)

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

خلاصه جلسه گذشته

در بخش دوم آیه ۳۴ به این موضوع رسیدیم که ماهیت ابلیس چیست. عرض کردیم اقوال و احتمالات مختلفی در مورد ماهیت ابلیس وجود دارد. قول اول این بود که ابلیس از ملائکه است. دو دلیل بر این مدعی ذکر گردید و مورد بررسی واقع شد. نتیجه این شد اینکه ما ابلیس را از ملائکه محسوب کنیم، دلیل قابل اعتمادی بر آن وجود ندارد.

ادله قول دوم (فرشته نبودن ابلیس)

اما برای قول به اینکه ابلیس از ملائکه محسوب نمی‌شود، شش دلیل می‌توان اقامه کرد. اینکه از ملائکه محسوب نمی‌شود، در واقع به این معنا است که از اجنه است. بخشی از علمای اهل سنت به خصوص معتزله قائل اند به اینکه ابلیس از ملائکه نیست و البته مشهور بین عالمان شیعه هم این است که ابلیس از اجنه محسوب می‌شود نه از ملائکه. در کتاب های کلامی، تفسیری و بعضا فقهی ادله ای در این مورد اقامه شده. بعضی از اینها مثلا در کلمات شیخ مفید آمده و بعضی در کلمات متکلمین و معتزله آمده است. مجموع این ادله شاید همین شش دلیل باشد که بعضی از آنها چه بسا مورد قبول و پذیرش فریقین هم واقع شده است.

دلیل اول

دلیل اول این است که در بعضی از آیات قرآن تصریح به این شده که ابلیس از اجنه است مانند آیه: «أَلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ»^۱. تعبیر «إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْجِنِّ» در چندین موضع در قرآن ذکر شده و خود اینکه قرآن کریم تصریح می‌کند به اینکه ابلیس جن بوده، بهترین دلیل است برای اینکه از ملائکه محسوب نشود. **إن قلت:** اینجا ممکن است کسی در پاسخ یا در مقام دفاع از نظریه فرشته بودن ابلیس بگوید که منافاتی ندارد که ابلیس از ملائکه باشد و در عین حال اطلاق جن هم به او بشود.

قلت: ما قبلا عرض کردیم که گاهی کسی می‌گوید این از ملائکه است و در عین حال از نظر لغوی به او جن هم اطلاق می‌شود، این قابل جمع است. چون جن به معنای مستور و پوشیده است. ملائکه هم به اعتبار اینکه مستور و پوشیده هستند، لغتا می‌شود به آنها جن اطلاق شود ولی مسئله این است که بر اساس آیات قرآنی اطلاق جن بر ابلیس نه به عنوان استعمال لغت جن در این مورد است، بلکه اطلاق جن به او در برابر ملائکه شده است. یعنی کَانَ این جنس در

۱. سوره کهف، آیه ۵۰.

برابر جنس ملائکه ذکر شده است. لذا اگر پذیرفتیم و روشن هم هست که در قرآن آیاتی دلالت دارد بر اینکه ابلیس از اجنه است، معنایش این است که از ملائکه محسوب نمی‌شود و خود قرآن به صراحت به این مسئله تصریح کرده است. پس دلیل اول وجود بعضی از آیات قرآنی است.

دلیل دوم

بر اساس آیه قرآن ابلیس دارای ذریه است چون می‌فرماید: «أَفْتَنَّا ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِنَا»^۱، خداوند متعال در بیان وضعیت ابلیس این را می‌فرماید: که آیا ابلیس و ذریه او را به عنوان اولیاء و ولی خودتان قرار دادید بدون اینکه به من به عنوان ولی توجه کنید؟. اینکه می‌فرماید: «أَفْتَنَّا ذُرِّيَّتَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ»، منظور ابلیس و ذریه ابلیس است. پس بر طبق خود آیات قرآن و البته روایات متعدد ابلیس دارای ذریه است در حالی که ملائکه ذریه ندارند.

اگر ابلیس از ملائکه بود، معنا نداشت که برای او ذریه قرار داده شود. چون ذریه و نسل حاصل ازدواج جنس مذکر و مؤنث است در حالی که ملائکه مؤنث و مذکر ندارند زیرا خداوند تبارک و تعالی کسانی که ملائکه را مؤنث قرار دادند مذمت کرده و انکار کرده است. می‌فرماید: «وَجَعَلُ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا»^۲؛ آن‌ها کسانی هستند که ملائکه ای که بندگان خدا هستند را به عنوان إناث و دختران خدا قرار دادند. در اینجا لسان، لسان نفی و انکار است و دارد کسانی را که حکم به انوثیت ملائکه کردند را رد می‌کند. اگر در مورد این‌ها انوثیت معنا ندارد، پس توألد و تناسل و ذریه نسبت به آن‌ها معنا ندارد.

سوال:

استاد: خیر، این ظهور در این دارد و به یک معنا صریح است. چون در بعضی مواقع یاران شیطان با همان واژه خودش معرفی شده. ذریه ظهور در فرزند و نسل دارد و این روشن است و قرینه ای هم بر خلافتش ذکر نشده است. پس دلیل دوم کأن یک قیاس استثنایی است. لو کان إبلیس من الملائکة، اگر ابلیس از ملائکه می‌بود، نباید ذریه می‌داشت در حالی که او دارای ذریه است. پس معلوم می‌شود که ابلیس از ملائکه نیست چون اجنه دارای ذریه هستند. این دلیل مستقیماً اثبات جن بودن ابلیس را نمی‌کند بلکه عدم کونه من الملائکه را ثابت می‌کند. سپس با اثبات عدم کون ابلیس من الملائکة، جن بودن به این بیان ثابت می‌شود که از آنجایی که واسطه ای در این موجودات نیست، و اگر ملک نبود حتماً جن است، جن بودنش ثابت می‌شود.

در اینکه ابلیس از جنس انسان نیست تردیدی نیست. موجودات مجرد هم از این دو قسم خارج نیستند. (غیر از روح انسانی محضه چون روح انسان هم مجرد است) در این قسم از مجردات که موضوع بحث ما هستند، مأموران الهی و سایرین، بالاخره یا جن اند و یا ملک. ما موجود سومی در اینجا نداریم. بنابراین وقتی ثابت شد که ابلیس از ملائکه

۱. سوره کهف آیه ۵۰.

۲. سوره زخرف، آیه ۱۹.

نیست، به ضمیمه این مقدمه که جنس سوم و مقدمه دپگری تصویر نمی‌شود، اثبات می‌شود که از اجنه است. یعنی در واقع دلیل دوم احتیاج به یک ضمیمه دارد برای متمیم استدلال.

دلیل سوم

دلیل سوم را هم در قالب یک قیاس استثنایی می‌توانیم ذکر کنیم و بگوییم که اگر ابلیس از ملائکه شمرده می‌شد، نباید معصیت خدا می‌کرد، لکن معصیت خدا کرد، پس معلوم می‌شود که از ملائکه محسوب نمی‌شود.

معلوم است که ملائکه اهل معصیت نیستند، این به ادله نقلی و عقلی در جای خود بیان شده است مخصوصاً این آیه «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُأْمَرُونَ»^۱ در قرآن تصریح شده است به اینکه ملائکه معصوم اند و این در جای خودش هم استدلالش بیان شده است.

مقدمه اول این بود که اگر ابلیس از ملائکه باشد، نباید معصیت می‌کرد چون قطعاً ملائکه اهل معصیت نیستند. لکن ابلیس قد عصی. این روشن است که ابلیس معصیت کرد. چون اگر ملک می‌بود نباید معصیت می‌کرد. پس نتیجه می‌گیریم که از ملائکه محسوب نمی‌شود.

دلیل چهارم

تقریب اول

این دلیل را هم می‌توانیم در قالب یک قیاس استثنایی قرار دهیم به این بیان که اگر ابلیس از ملائکه محسوب می‌شد، نمی‌بایست از آتش خلق شود. لکن از آتش خلق شده، پس معلوم می‌شود که از ملائکه نیست. در اینکه ابلیس از آتش خلق شده بحثی نیست. به صراحت خودش در این ماجرا به خداوند عرض می‌کند: «خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ وَ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ»^۲؛ من را از آتش خلق کردی ولی او را از خاک و گل بی‌ارزش. اما اینکه ملائکه از آتش خلق نشده اند، در جای خودش گفته شده و مسلم است که خلقت ملائکه از آتش نبوده. اگر قرار شد منشأ و ریشه خلقت ملائکه غیر آتش باشد در حالی که ابلیس از آتش خلق شده، معلوم می‌شود به حسب منشأ هم نمی‌تواند از ملائکه باشد. این در واقع نفی فرشته بودن و ملک بودن ابلیس است به لحاظ منشأ.

به غیر از دلیل اول، این چند دلیلی که در اینجا ذکر شد، به نوعی همگی نفی می‌کند ملک بودن و فرشته بودن ابلیس را؛ اما اگر اثبات جن بودن بخواهد شود، احتیاج به یک متمیم دارد. نتیجه این قیاس‌های استثنایی ذکر شده در دلیل دوم، سوم و چهارم این می‌شود که ابلیس از ملائکه نیست. وقتی از ملائکه نبود، در دلیل دوم اثبات شد که چگونه ابلیس از اجنه است. در دلیل سوم هم باز به همان تقریبی که در دلیل دوم گفتیم اثبات می‌شود. چون بالاخره ابلیس عصیان کرده و از ملائکه نیست و انسان هم قطعاً نیست، پس جن می‌شود. یعنی به این طریق جن بودنش ثابت می‌شود. در دلیل چهارم

۱. سوره تحریم، آیه ۶.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۲.

هم عدم کونه من الملائكة ثابت می‌شود، اما چرا جن است؟ باید بگوییم که موجودات به لحاظ منشأ خلقتشان یا از خاک اند، یا از آتش و یا از نور الهی اند؛ پس باید نتیجه بگیریم که از اجنه محسوب می‌شود. چون غیر از گفته ابلیس، خداوند متعال تصریح می‌کند که «وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ»^۱؛ یعنی تصریح کرده است که جن از آتش خلق شده است. یا در سوره الرحمن می‌فرماید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ»^۲. پس خود قرآن هم تصریح می‌کند که اجنه از آتش خلق شده اند.

سوال:

استاد: بله ولی اینکه آن را داشته باشد تاثیری در این جهت ندارد. اینجا شیطان خودش گفته من را از آتش خلق کردی، خدا هم فرموده که ما اجنه را از آتش خلق کردیم. در نتیجه شیطان از اجنه است. یعنی این یک تکمیلی است که در این استدلال لازم است.

تقریب دوم

البته می‌تواند در قالب آن قیاس استثنایی هم نباشد و یک قیاس به شکل اول باشد. به این صورت که خُلِقَ ابلیس من نار. كُلُّ مَنْ خُلِقَ مِنْ نَارٍ فَهُوَ مِنَ الْأَجْنَّةِ، در نتیجه شیطان از اجنه است.

این یک ویژگی است که در دلیل چهارم وجود دارد. یعنی دلیل چهارم به دو ترتیب و به دو تقریب قابل بیان است. هم می‌شود به نحو یک قیاس استثنایی آن را تقریب کرد که نتیجه اش این می‌شود که شیطان از ملائکه نیست. و البته برای اثبات جن بودنش احتیاج به یک ضمیمه دارد که عرض شد. ولی همین دلیل را می‌توان در قالب یک قیاس شکل اول قرار دهیم و مستقیماً جن بودن ابلیس را اثبات کند.

پس ملاحظه فرمودید که دلیل اول به روشنی جن بودن را ثابت می‌کند. دلیل دوم و سوم از طریق یک قیاس استثنایی اثبات می‌کند که ابلیس از ملائکه نیست و آنوقت با یک تکمیل می‌توان جن بودنش را ثابت کرد. در دلیل چهارم آنچه که وجود دارد، این است که ما به دو نحو و دو تقریب می‌توانیم بیان کنیم؛ هم با یک قیاس استثنایی و هم با یک قیاس شکل اول که در قیاس استثنایی نتیجه عدم کونه من الملائكة است که نیاز به تکمیل دارد تا جن بودنش ثابت شود. و در تقریب دوم جن بودنش مستقیماً اثبات می‌شود.

سوال:

استاد: بله این صریح قرآن است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ»^۳. ملائکه را که گفتم در برخی آیات و یا روایت این مسئله را می‌رساند.

۱. سوره حجر، آیه ۲۷.

۲. سوره الرحمن، آیه ۱۴.

۳. سوره الرحمن، آیه ۱۴.

دلیل پنجم

دلیل پنجم هم متشکل از دو مقدمه است و شاید به نحو قیاس استثنایی قابل تقریر باشد. اگر ابلیس از ملائکه بود، باید به عنوان رسول خدا دانسته و شناخته می‌شد. در حالی که مسلم است که ابلیس رسول خدا نیست، پس لم یکن من الملائکه.

اینکه گفته می‌شود اگر ابلیس از ملائکه می‌بود پس باید رسول محسوب می‌شد، برای این است که خود خداوند تبارک و تعالی فرمود: «جَاعِلُ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا»^۱، ما ملائکه را به عنوان رسولان خودمان قرار دادیم. پس هر ملکی رسول خدا است و البته رسالت‌ها متفاوت است. در واقع ملائکه مأموران خدا و پیام‌آوران الهی هستند در عالم تکوین و بعضاً هم در عالم انزال کتب و ارسال رُسُل. پس ملائکه رسول خدا هستند اما شیطان رسول خدا نیست، چون رسولان الهی معصوم اند و ما هیچ رسولی نداریم که معصوم نباشد. استناد هم می‌کنند به این آیه: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»^۲. اگر ابلیس معصوم نباشد یعنی نمی‌تواند رسول باشد؛ و عدم عصمت ابلیس قطعاً ثابت شده، پس رسول خدا نیست. و لذا اگر رسول نبود، از ملائکه هم محسوب نمی‌شود.

این دلیل هم همانطور که ملاحظه فرمودید ملک نبودن ابلیس را اثبات می‌کند. اما اینکه جن است از این استدلال فهمیده نمی‌شود.

دلیل ششم

دلیل ششمی هم در اینجا قابل ذکر است و آن اینکه یک احکامی برای اجنه ذکر شده که در مورد ملائکه نمی‌توان جاری دانست. مثلاً تقسیم ملائکه به مؤمن و کافر. ملائکه به مؤمن و کافر تقسیم نمی‌شوند، اما در مورد اجنه این را داریم که بعضی از اجنه مؤمن اند و بعضی کافر. شیطان هم کافر است چون قرآن می‌فرماید: «إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ». ما ملک کافر نداریم اما ابلیس کافر است چون اجنه بر دو بخش اند، برخی کافر اند و برخی مؤمن. لذا تقسیم اجنه به مؤمن و کافر و کافر بودن شیطان و عدم امکان کون الملائکه من الکفار، بهترین دلیل است بر اینکه شیطان از ملائکه محسوب نمی‌شود.

این‌ها خلاصه‌ای از مجموع ادله‌ای است که به نظر می‌رسد برای اثبات اینکه ابلیس از فرشتگان نیست، کافی باشد.

آیات قرآنی ذکر شد و برخی از روایات را هم انشاءالله در ذیل این بحث عرض خواهیم کرد.

بنابراین ادله نقلی و عقلی کافی وجود دارد که اثبات کند ابلیس از ملائکه نیست که بعضی جن بودن را ثابت می‌کند و بعضی دیگر بیش از این را ثابت نمی‌کند.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. سوره فاطر، آیه ۱.

۲. سوره انعام، آیه ۱۲۴.